

# امتحانات متمرکز تکلیفی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

رشته های تفسیر، تاریخ، اخلاق، ادبیات عرب، مشاوره خانواده، تربیت دینی مر ۹۸

مست: کل: ۶۰ دقیقه	نمره: ۱۴	صبح ۱۰	مست: کل: ۸۰ دقیقه
مست: کل: ۸۰ دقیقه	نمره: ۱۶	صبح ۱۰	

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حرف

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۹۸۱/۱۳
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۱۰/۲۵
عنوان:	اصول ۱
کتاب:	اصول فقه مظفر
محدوده:	جلد اول و دوم: از ابتدای کتاب تا ابتدای عام و خاص (ص ۱۷۸-۴۷)
حذفیات:	اوامر و نواهی (ص ۱۵۲-۱۰۵)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرسه علیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

- ۱- در کدام مورد «وضع شخصی» است؟ ص ۶۷ و ۶۸
- الف. هیأت جمله فعلیه «رأیتُ زیداً».
  - ب. هیأت «فاعل» برای اسم فاعل.
  - ج. وضع «افعل» برای فعل امر.
  - د. وضع حرف «من» برای ابتدا.

۰/۵

- ۲- کدام کلمه مشتق در علم اصول نیست؟ ص ۹۷ و ۹۸
- الف. انسان
  - ب. رِق
  - ج. زوج
  - د. أُح

۰/۵

- ۳- به نظر مصنف (ه) در مبحث «مفهوم وصف» وصف بدون قرینه، قید چیست؟ ص ۱۷۲
- الف. للحکم لا للموضوع
  - ب. للموضوع او للحکم
  - ج. للموضوع لا للحکم
  - د. لمتعلق الموضوع

۰/۵

- ۴- حجیت دلالت «اقتضاء» و «تنبیه» از چه باب است؟ ص ۱۸۸
- الف. حجیت مفاهیم
  - ب. حجیت ظهور
  - ج. حجیت عقل
  - د. حجیت تبادر

۲

۵- فائده علم اصول چیست؟ توضیح دهید. ص ۵۱

جواب: استفاده برای استنباط احکام از ادله آن‌ها (۰/۵ نمره) هر انسان متشرعی می‌داند که هر فعل اختیاری انسان در شریعت اسلامی حکمی از احکام خمس را دارا است و همچنین می‌داند که همه احکام به نحو بدیهی معلوم نیستند یعنی این احکام نظری بوده و نیازمند اقامه دلیل برای اثبات آن‌ها هستند و علم اصول تنها علمی است که برای استفاده برای استنباط احکام از ادله آنها تدوین شده است. (۱/۵ نمره)

۲

۶- دلیل محال بودن وضع خاص و موضوع له عام را شرح دهید. ص ۵۷ س ۱ (امتحانات نیمسال اول ۹۲-۹۱)

جواب: اصولیین از جمله مصنف قائل به استحاله وضع خاص و موضوع له عام هستند؛ زیرا خاص نمی‌تواند وجه و مرآت برای عام باشد. توضیح مطلب آن است که واضع باید معنای موضوع له را بنفسه و یا به عنوان کلی تصور کند تا موضوع له، مجهول مطلق نبوده و وضع، صحیح باشد؛ حال در این قسم، معنای موضوع له نه بنفسه تصور شده و نه بوجهه. اما بنفسه تصور نشده زیرا واضع هنگام وضع، جزئی را بنفسه تصور کرده نه معنای کلی را؛ اما بوجهه هم تصور نشده به جهت این که جزئی بما هو جزئی هیچگاه نمی‌تواند نشانگر کلی و حکایت کننده کلی باشد. پس معنای موضوع له مجهول محض است و وقتی مجهول محض بوده و تصور نشده باشد وضع که حکم است غلط خواهد بود.

۷- عبارت «إنّ الدلالة تابعة للإرادة، لأنّ الدلالة منحصره في الدلالة التصديقية»، را تبیین کنید و دلیل مصنف<sup>(ه)</sup> بر انحصار مذکور را بنویسید. ص ۶۵ (امتحانات نیمسال دوم ۹۰-۸۹) (امتحانات تکمیلی مجدد ۹۴-۹۳)

جواب: دلالت تابع اراده است و در جایی که متکلم قصد فهماندن معنا را نداشته باشد، الفاظ بر معنا دلالت نمی‌کنند، و فهم معنای الفاظ به شکل دلالت تصویری، دلالت نیست، زیرا دلالت عبارت است از اینکه از دالّ به مدلول برسیم، مثلاً با شنیدن لفظ متکلم به مقصود و مراد او برسیم و بفهمیم که او می‌خواسته است، آن معنی را به ما بفهماند، بنابر این تا وی قصد معنا را نکرده باشد، اصلاً دلالتی محقق نمی‌شود. (رساندن مفهوم این پاسخ کافی است)

۸- چرا بنابر نظر مصنف<sup>(ه)</sup> بحث صحیح و اعم در مورد معاملات ثمره ندارد؟ توضیح دهید. ص ۸۹ و ۹۰ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۵-۹۴)

جواب: زیرا مراد از صحیح، صحیح نزد عرف عام است نه نزد شارع؛ لذا اگر شارع قیدی زائد بر آنچه عرف لازم می‌داند را اعتبار کند این قید در صدق عنوان معامله دخالت نخواهد داشت. (می‌توانیم با تمسک به اطلاق این احتمال را نفی کنیم) مگر اینکه احتمال دهیم آن قیدی که در اعتبار آن از نظر شارع شک داریم در صحت معامله نزد عرف نیز دخالت داشته باشد که در این صورت بنابر قول به صحیح، نمی‌توانیم برای نفی آن قید به اصالة الاطلاق تمسک کنیم.

۹- دلالت جمله شرطیه بر انحصار شرط را از طریق اطلاق تبیین نمایید. ص ۱۶۲

جواب: اگر شرطی دیگر به عنوان جایگزین برای جزء وجود داشته باشد یا با همدیگر به عنوان شرط حکم باشند در این صورت احتیاج به بیان زائد دارد با «او» یا عطف با «و» و وقتی که بدون «او» و «و» ذکر شده باشد، ترتب جزء بر شرط ظاهر است در اینکه مستقلاً جزء بر آن متوقف است چون قیدی ذکر نشده است و عدم ذکر قید از مولای حکیم که در مقام بیان است ظهور در عدم اراده آن قید دارد.

۱۰- مقتضای اصل عملی در صورت شک در هر یک از «تداخل اسباب» و «تداخل مسببات» چیست؟ چرا؟ ص ۱۶۸ (آزمون مدارج علمی آذر ۹۲)

جواب: ۱. اصل در اسباب تداخل است [یعنی برائت از تکلیف زائد] (۰/۲۵ نمره) ثبوت یک تکلیف قطعی است زیرا دو سبب در یک تکلیف تأثیر می‌کنند و شک در تکلیف زائد است که برائت از آن جاری می‌شود و نتیجه‌اش تداخل است. (۰/۷۵ نمره) ۲. اصل در مسببات عدم تداخل است [یعنی احتیاط و اشتغال] (۰/۲۵ نمره) زیرا اصل تکلیف ثابت است و شک در سقوط آن با یک امتثال داریم پس قاعده‌ی احتیاط جاری و نتیجه‌اش عدم تداخل است. (۰/۷۵ نمره)

※ سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۱- دور مذکور در عبارت «لو أردنا اثبات الحقيقة بسبب التبادر لزم الدور المحال» و پاسخ مصنف؛ به آن را بنویسید. ص ۶۹ و ۷۰ (آزمون مدارج علمی آذر ۹۲) (آزمون علمی مدارج شهریور ۹۶)

جواب: اشکال: تبادر احتیاج به سبب دارد، و آن سبب علم به وضع است، بنابر این علم به وضع متوقف بر تبادر است و از طرفی برای فهمیدن علم به وضع از تبادر کمک می‌گیریم، یعنی تبادر متوقف بر علم به وضع و علم به وضع متوقف بر تبادر می‌شود و این دور است. پاسخ مصنف: دوری پیش نمی‌آید، زیرا علم تفصیلی متوقف بر تبادر است و تبادر متوقف بر علم اجمالی. (رساندن مفهوم پاسخ کافی است)

« سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۴۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می‌باشد.»

« در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می‌باشد.»